علوم قرآن و حدیث

Quran and Hadith Studies

سال ۵۳ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۷- پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۲۹ - ۹

HomePage: https://jquran.um.ac.ir/

شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸

شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸

تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۰۲/۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱ تاریخ پذیرش:۱۳۹۸/۰۹/۰۲

نوع مقاله :پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.61264.0

معناشناسی تاریخی و ساختاری اثم در قرآن کریم

فاطمه آگهي(نویسنده مسئول)

دانش آموخته مقطع دکتری دانشگاه فردوسي مشهد

Email: fatima.agahi@yahoo.com

دکتر مهدي جلالي

استاد دانشگاه فردوسي مشهد

چکیده

ماده «اثم» با ٤٨ بسامد در قرآن کریم، مفهومی کلیدی در حوزه معنایی گناه است که نسبت به دیگر مفاهیم این حوزه، در بافت‌ها و روابط معنایی متنوع‌تری به کار رفته است. لغویان و مفسران، با غفلت از تبار کلمه و ظرافت‌هاي معنایي اثم در آیات، این واژه را با دیگر واژگان حوزه معنایی گناه، یکسان انگاشته‌اند.

با توجه به «تیرگی معنایی» اثم در قرآن کریم، مطالعه معناشناختی درباره این مفهوم ضرورت دارد. این مقاله قصد دارد با بهره‌گیری از روش‌های معناشناسی نظیر ریشه شناسی و بررسی روابط همنشینی و جانشینی، تحلیلی معناشناختی از «اثم» ارائه دهد. ریشه شناسی مؤید مؤلفه‌های «اتصال و همگرایی»، «درنگ و تأخیر»، «تعمد و قصدمندی» و «پلیدی و ناپاکی» در ماده اثم است که مؤلفه اخیر ناظر بر انگاره « قبح ذاتی» در قرآن و ارزش گذاری این مفهوم پیش از ورود شرع است.

بررسی روابط همنشینی و جانشینی نشان داد، متمایز از دیگر مفاهیم حوزه گناه در قرآن، «اثم» غالباً ناظر بر افکار و اقوال با دو مؤلفه «کذب» و «بطلان» است که در حوزه «رابطه با خدا» در بافت محرمات و نواهی و نیز حوزه «روابط انسانی و اجتماعی» در بافت مشارکت بر دروغ و حرام کاربرد دارد.

کلیدواژه‌ها: اثم، گناه، روابط همنشینی و جانشینی، ریشه شناسی، مؤلفه‌های معنایی.

Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage: https://jquran.um.ac.ir/

Vol. 53, No. 1: Issue 106, Autumn & Winter 2021 - 2022, p.9-29

Online ISSN: 2538-4198

Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 07-05-2019 Revise Date: 12-11-2019 Accept Date: 23-11-2019

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2021.61264.0

Article type: Original

Historical and Constitutional Semantics of the Word "Ethm" in the Holy Quran

Fatemeh Agahi (Corresponding Author), Ph.D. graduate, Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Mahdi Jalaly, Professor, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract

The word "Ethm"(sin; in Arabic: اثم) with its 48 frequencies in the Holy Quran, is a key concept in the semantic field of the sin. In comparison with other concepts in this field, it has been used in more diverse contexts and semantic relationships. Neglecting the origin of this word and its semantic subtleties in the Quranic verses, lexicologists and commentators have considered it as same as other words in the semantic field of sin. Given the semantic opacity of the word Ethm in the Holy Quran, it is necessary to study this concept semantically. By using semantic methods such as etymology and syntagmatic and paradigmatic relations, this article aims at analyzing Ethm semantically. Etymology confirms the components of "convergence", "delay", "intentionality", and "filthiness" in the word Ethm; the latter component refers to the idea of "essential badness" and the valuation of this concept before the advent of Islam. Investigating the syntagmatic and paradigmatic relations shows that Ethm is different from other concepts in the field of sin in the Quran; this word consists of two components of "falsehood," and "invalidity" and often refers to thoughts and sayings. Also, this word has two usages; in the domain of "relationship with God" in the context of the prohibitions, and the field of "human and social relations" in the context of participation in lies and the Forbidden.

Keywords: Ethm, Syntagmatic and paradigmatic relations, Etymology, Semantic components.

مقدمه

از جمله حوزه‌های معنایی مرتبط با اخلاق در قرآن کریم، حوزه معنایی گناه است. از میان اسامی معرف گناه در قرآن، ماده «اثم» با کاربرد فراوان، گوناگونی مفاهیم همنشین و تنوع مشتقات در کاربردهای قرآنی، عوامل امتیاز و محوریت در حوزه معنایی گناه را دارد.

«اثم» در قرآن معمولاً مترادف با کلماتی مانند «ذنب» و «خطیئه» تلقی شده است؛ برخی لغویان(ابن درید، ۲/ ۱۰۳٦) از اظهار نظر درباره معنای این واژه ابا داشته‌اند. نیز برخی معناشناسان(ایزوتسو، ۵۰۲) با اشاره به اختلاف نظرات در مورد «اثم»، معنا را مبهم و فرّار دانسته و تعریف دقیق از این واژه را تقریباً غیرممکن شمرده اند.(نک: همان) تحلیلی معناشناسانه از «اثم» می‌تواند مفهوم و کاربردهای متنوع آن را به خوبی تبیین کند.

پژوهش حاضر با روش معناشناسی[1] ساخت‌گرا[2] قصد دارد، مفهوم «اثم» و مؤلفه‌های معنایی[3] آن را در زبان قرآن کریم بررسی کند.

یک واژه در همنشینی با واژهٔ دیگر از رابطه معنایی بنیادینی برخوردار است و به حوزه معنایی[4] آن واژه تعلق می‌گیرد.(گیررتس، ۱٤۳) پایه اصلی شکل گیری اندیشهٔ ساخت گرایی، مفهوم‌گیری و ارزش پیدا کردن یک نشانه زبانی در سایهٔ هم‌پیوندی با چارچوب روابط افقی و عمودی(همنشینی[5] و جانشینی[6]) است. رابطه همنشینی، میان الفاظی است که در زنجیره کلامی در کنار یک‌دیگر قرار گرفته‌اند؛ رابطه جانشینی نیز رابطه‌ای از نوع انتخاب و جایگزینی میان هر یک از الفاظ یک زنجیره کلامی است که می توانند جایگزین آن شوند.(بی یرویش، ۳۱-۳۰) از این منظر، هیچ واژه‌ای را نمی‌توان مستقل از واژگان دیگری تعریف کرد که از جهت ساختار معنا با آن مرتبط‌اند و به تحدید معنای آن کمک می‌کنند.(جان لاینز، ۱٤۵) محورهای همنشینی و جانشینی یک بافت ساختاری را می‌سازند که نشانه‌ها در آن بافت معنا می‌یابند.(نک: چندلر، ۲۵-۲٤؛ افراشی، ۲۳) همنشینی به تغییر معنایی واژگان در جهت افزایش یا کاهش معنایی منجر خواهد شد. معناشناسی از زاویه دید ساخت گرایی، نوعی توپولوژی[7]، مکان‌یابی و

۱. دانش معناشناسی، مطالعه علمی معناست. منظور از مطالعه علمی، توصیف پدیده‌های زبانی معنا در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری است.(نک: صفوی، ۲۲)

2 .structural semantics

3 .semantic components

4 .Semantic field

5 .Syntagmatic

6 .Paradigmatic

7 .topology

موقعیت‌پژوهی است؛ معنا در موقعیت و جایگاهش نسبت به دیگر معانی هویت می‌یابد.

همچنین این نوشتار با تحلیل ریشه شناختی، قدیمی‌ترین معنای ماده «اثم» بـه دسـت آورده و بـا بهـره گیری از معناشناسی تاریخی[1]، امکان بروز تغییرات معنایی همچون توسعه و تضییق دامنه، ارتقـاء یـا تنـزّل معنایی و پذیرش معنای مجازی یا استعاری را ارزیابی کرده است .

لذا این پژوهش بر آن است با بررسی مؤلفه‌های معنایی «اثم» در زبان‌هـای سـامی و بررسـی مفهـوم «اثم» بر محور همنشینی و جانشینی، دریابـد کـه ایـن واژه بـا کـدام یـک از واژگـان رابطـه معنـایی دارد و گونه‌های مختلف کاربرد «اثم» چه معانی را افاده می کنند؟

۱. مؤلفه‌های معنایی در ریشه اثم

۱. ۱. مؤلفه‌های معنایی اثم نزد لغت شناسان

کتب لغت معانی گوناگونی برای اثم بر شمرده‌اند از جمله: فجـور(ازهری، ۱۱۷/۱۵)، ذنـب(جوهری، ۵/ ۱۸۵۷؛ ابن‌منظور، ۱۲/ ۵؛ فیروزآبادی، ٤/ ۷۳-٧٤)، انجام کاری که حلال نیست(فیروزآبادی، ۳/ ٤)، خمـر و قمـار(ابن سـیده، ۱۰/ ۱۸٦؛ فیروزآبـادی، ٤/ ۷۳-٧٤؛ ابن‌منظـور، ۱۲/ ۵)، گنـاه(جوهری، ۵/ ۱۸۵۸)، «تـأخیر در خیـرات و از ثـواب»(ابن‌فـارس، ٦٠/١؛ راغـب اصـفهانی، ٦٣) و «تقصـیر و کوتاهی»(عسکری، ۲۲۷). طبرسی در معنای «اثم»، حدیثی از پیامبر اکرم(ص) نقل نموده است: «الْبِرُّ مَا اطْمَأَنَّتْ إِلَيْهِ النَّفْسُ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي صَدْرِكَ»؛ وی با اشاره به تقابل «اثم» با «بِرّ»، اثم را عملـی شـمرده که نفس از آن تنفر دارد و قلب با آن آرام نمی‌گیرد.(طبرسی، ۱/ ۳۰۲) اشاره به اضـطراب و آرامـش نداشـتن قلب پس از انجام «اثم» است که می‌تواند ناظر بر قبح ذاتی «اثم» باشد.

بنابراین مؤلفه‌های معنایی «اثم» نزد لغت شناسان عبارت از «تعمد و قصدمندی»، «تأخیر و کنـدی»، «کوتاهی و تقصیر»، «حرمت»، «دروغ» و نیز «امر پلید و تنفرآور» است. ارزیـابی ایـن مؤلفـه‌ها در گـرو ریشه شناسی «اثم» و نیز تحلیل کاربردهای این ماده در آیات است.

۱. ۲. مؤلفه‌های معنایی حاصل از ریشه شناسی «اثم»

در این بخش به پی جویی تبار «اثم» در زبان‌های سامی خواهیم پرداخت. بدین ترتیب امکان ارزیابی آراء لغوی درباره مؤلفه‌های معنایی اثم نیز فراهم خواهد آمد:

اتصال و همگرایی

«اثم» در زبان آفروآسیایی باستان(نیای زبان عربی)، از ماده ثنائی[1] «*čam*» بـه معنـای «جمـع کـردن

---

1 Historical semantics

وگرد هم آوردن[۲](امور پراکنده)» و نیز «جمع شدن و به هم پیوستن»[۳] است که در انتقال به زبان‌های سامی، به «*ṯum*»[٤] تبدیل شده است.(orel, 111) با اضافه شدن «همزه قطع» در ابتدای ماده «ثَمَ»، بـاب افعـال ثنائی «اَثَمَ» در زبان سامی ساخته شده است.

در انتقال به سامی، «اثم» از معنای «جمع شدن و به هم پیوستن» بـه معنـای «مرتکـب گنـاه و اشـتباه شدن» منتقل شده است.(zammit, 69) «گونه شناسی ساخت معنا»[٥]در «اثـم»، قابـل مقایسـه بـا نمونـه مشابه در زبان انگلیسی است. ریشه لاتین «committere» به معنای «to bring to gather»[٦] است؛ این ریشه در انتقال به زبان انگلیسی در ساخت «to commit»، ابتدا به معنای عام «درگیر شدن در کاری» بـه کار رفته، سپس با تخصیص، به معنای «مرتکب خطا و اشتباه شدن» منتقل شده است. این ساخت معنایی قابل مقایسه با وضعیت «اثم» در انتقال از زبان آفروآسیایی به زبان های سـامی اسـت؛ همـزه بـاب افعـال ثنائی در ابتدای ماده «ثم»، همان معنای(to bring) را القا می‌کند و به این ترتیب، «اثم» از معنای «جمـع شدن و گردهم آمدن» به معنای «ارتکاب گناه و خطا» منتقل شده است.(نک: پاکتچی، کارگاه معناشناسـی تقوا، آبان ۱۳۹۷) مؤلفه «همگرایی و مشارکت» در امر ناپسند، در برخـی کاربردهـای سـامی بـاقی مانـده است.

گناه و اشتباه/تقصیر

علاوه بر زبان عربی، ماده «اثم» عموماً در شاخه شمالی زبان‌هـای سـامی رواج دارد.(zammit, 69) از جمله کاربردها، صورت اسمی אָשָׁם در عبری با تلفظ ăš:âm در معانی «کارناشایست»، «گنـاه» و «تقصیر» است.(مشکور، ٦/١؛ Gesenuse, 79-80) ساخت اسمی âšâm در آرامی کتاب مقـدس، علاوه بر معانی «جرم و بزه» و «تقصیر و کوتاهی»، به معنای «کفاره گناه» اشاره دارد. کـاربرد صـورت‌های فعلی از ماده «اثم» در عبری و آرامی(jastrow, 129) و عدم کـاربرد آن در آیـات قـرآن، نشـان از تضـییق کاربرد «اثم» در قرآن کریم دارد.

ریشه شناسی، ابزاری برای ارزیابی مؤلفه‌های معنایی «اثم» نزد لغت شناسان است. بنا بر نتایج ریشـه شناسی، اصلی‌ترین مؤلفه در ماده «اثم»، «اتصال و همگرایی» است که در کتب لغت به آن اشاره‌ای نشـده

---

١ . زبان‌های سامی، بن ثنائی داشته‌اند و در گذر زمان، با افزوده شدن حرف یا حروفی به عنوان آوند به ریشه ثلاثی و.. تبدیل شده اند.(O'Leary, 176-177)

2 .gather

3 .join

٤. واج č («چ») آفروآسیایی در زبان های سامی مانند آرامی و عبری به واج «ش» و در عربی تبدیل به «ث» شده است.

5 .Typology of Meaning Formation

٦ . دور هم جمع کردن، گردهم آوردن

است. همزادهای «اثم» در آرامی و عبری، مؤید مؤلفه‌های «تعمـد و قصـدمندی» و «تقصـیر و کوتـاهی» است. درباره مؤلفه «درنگ و تاخیر» در سخن ابن فارس باید گفت، روشن شد که مؤلفه «اتصال» در ریشه ثنائی «ثم» وجود دارد، هنگامی که در این اتصال ترتیب قرار داده شود، «درنگ و تأخیر» به‌وجود می‌آید که این مؤلفه در حرف ربط «ثُمّ»(درباره تراخی و تأخیر) نیز دیده می‌شود. دیگر مؤلفه‌ها در کلام لغویان مانند «پلیدی»، «حرمت» و «دروغ» می‌بایست در کاربردهای «اثم» در آیات، راستی آزمایی شود.

۲. مؤلفه‌های حاصل از کاربرد «اثم» در قرآن کریم

کاربرد یک مفهوم در صورت‌بندی‌های مختلف، ضمن تعیین حوزه‌های کاربردی، باعث تولید مصادیق جدید می‌شود.

۱. ۲. روابط معنایی ماده «اثم» در قرآن کریم و مهم‌ترین مفاهیم همنشین

مهم‌ترین روابط معنایی نزد معناشناسان عبارت‌اند از: هم معنایی(ترادف)، تقابل معنایی، تضادمعنایی، شـمول معنـایی، چندمعنایی(اشـتراک معنـوی)، هم‌نامی(اشـتراک لفظـی)، جـزء واژگـی، عضـو واژگـی، واحدواژگی.(صفوی،٤٣) در فضای مطالعات قرآنی ایران، درباره گونه‌ای جدیـد از روابـط معنـایی سـخن رفته که حاصل تلفیق با روابط ساختاری است؛ سخن از وجود چهار نوع رابطهٔ مُکمّلی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی میان دو واژهٔ همنشین است. مراد از روابط مکمّلی، رابطه معنایی بین دو واژه، بر پایهٔ ساختار نحوی است. رابطهٔ اشتدادی، رابطهٔ دو مفهوم با مؤلفـه معنـایی مشـترک اسـت کـه در مقـام تقویـت و معاضـدت یک‌دیگرند. تقابل معنایی، رابطهٔ دو مفهوم با مؤلفه معنایی مشترک است کـه در مقـام تضـعیف و نفـی هـم هستند. رابطه توزیعی نیز، رابطه دو مفهـوم در یـک «حـوزه معنـایی»، بـا قلمروهـای متمـایز اسـت.(نک: سلمان‌نژاد، ١٦)

«اثم» ٤٨ بار منحصراً در صورت‌های اسمی در قـرآن کـریم بـه کـار رفتـه اسـت؛ ۳۷ مـورد سـاخت مصدری «اثم» و بقیه موارد، «أثام»، «آثم»، «اثیم» و «تـأثیم» اسـت. همنشـین‌های «اثـم» در آیـات، بـه صورت سلبی و ایجابی می‌تواند ما را به مفهوم «اثم» و مؤلفه‌های معنایی آن نزدیک کند. در ادامه بر اساس ساخت صرفی، به روابط معنایی اثم با مهم‌ترین همنشین‌ها خواهیم پرداخت.

۱. ۱. ۲. ساخت مصدری «اثم»

بیش‌ترین کاربرد ماده اثم در آیات در ساخت مصدری «اثم» است که رابطه مکملی، تقابلی و توزیعی با همنشین‌ها دارد.

۱. ۱. ۱. ۲. روابط مکملی ساخت مصدری اثم

- **همنشینی «اثم» و «کسب»**

ماده «کسب» ٦٨ بار در قرآن کریم به عنوان استعاره در مورد تمامی دست‌آوردهای انسان(خیر یا شر) به کار رفته است.(نک: طباطبایی، ۲/ ۲۲) کسب امور منفی غالباً در ارتباط با اعمال و اقوال مشرکان در استهزاء آیات و نسبت دروغ به خداوند است. کسب اثم، حلال شمردن محرمات الهی در ذبائح مشرکان به نام بت‌هاست.(جاثیه: ۹-۱۰) آیات، «کسب» را در ارتباط با «قلب»(بقره: ۲۵۵؛ مطففین: ١٦) مطرح کرده‌اند، همچنین انجام اثم پس از سمع آیات(اولین سطح فهم) است که هر دو تأکیدی بر مؤلفه «تعمد و قصدمندی» در اثم است. از میان مفاهیم ناظر بر گناه ذیل ماده کسب، مفهوم «سیئه» جانشین «اثم» است. کاربردها و روابط «سوء» و «سیئه» در آیات نشان می‌دهد، این مفهوم در مقایسه با دیگر مفاهیم حوزه معنایی گناه، معنا و کاربرد عامی در ارزش منفی اخلاقی دارد.(نک: پاکتچی، «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و حدیث»، ۱۰-۲۲)

- **همنشینی «اثم» و «افتراء»**

شرک و کفر، «افتراء اثم» آشکار شمرده شده است.(نساء: ۴۸ و ۵۰) وجه تسمیه «اثم» به «افتراء»، به جهت نسبت‌های دروغین به خداوند در داشتن شریک و فرزند(یونس: ۳۰ و ۶۸؛ هود: ۲۱؛ نحل: ۸۷ و ۱۱۶؛ قصص: ۷۵) و نیز تغییر حکم خداوند درباره «حلال و حرام الهی» همچون انعام و ارزاق و قتل اولاد است.(انعام: ۱۳۶-۱۳۷؛ یونس: ۵۹-۶۰، مائده: ۱۰۳) مشرکان با تغییر حکم خداوند در حرمت یا حلیت ارزاق و اعمال، به دروغ آن را به خداوند نسبت می دادند. «ظلم» مهم ترین جانشین «اثم» و موید معنای شرک در آیات است.(بقره: ۱۹؛ طلاق: ۱)

در آیات ۶۳-۶۴ سورۀ مائده، تعبیر «قولهم الاثم»، اثم از مقوله سخن و به قرینه بافت آیات منظور از آن، سخن دروغ و باطل یهود در عبارت «يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» است.(طبرسی، ۳/ ۳۳۹) در همنشینی با مفاهیم ازدیاد و مسارعه «کفر» جانشین «اثم» است.(آل‌عمران: ۱۷۶)

- **همنشینی «اثم» و «بهتان»**

«بهتان»، دروغ بستن بر دیگری(تهمت) و از مفاهیم مَنهیّ خداوند است. چهار مورد همنشینی «بهتان» و «اثم» به معنای «تهمت دروغ» و «نسبت فحشاء» به مؤمنان است.(نساء: ۲۰؛ ۱۱۲؛ احزاب: ۵۸؛ نور: ١٦)

آیه ۲۰ سوره نساء، نهی از اخذ مهریه زنان با «بهتان» و «اثم» یعنی «نسبت دروغ» است. مورد دیگر از همنشینی «بهتان» و «اثم» آیه ۱۱۲ سوره نساء از کسب «اثم» و نسبت دادن به دیگری، تعبیر به «بهتان» و

«اثم» عظیم شده است(نساء: ١١٢)، به قرینۀ آیه، «اثم» قول دروغ یا باطلی است کـه قابلیـت انتسـاب بـه دیگران را دارد.

آیات ٥٧-٥٨ سوره احزاب، آزار و اذیت زنان و مردان مؤمن درباره آنچه کسـب نکرده‌انـد، «بهتـان» و «اثم» آشکار است؛ به قرینه همنشینی با بهتان، «اثم»، آزار زبانی و نسبت دروغ بـه مؤمنـان اسـت[1]؛ شـأن نزول آیه نیز مؤید این معنا و درباره گروهی از زناکاران است که به اذیت زنان مؤمنان می‌پرداختند.(طبرسی، ٨/ ٥٨٠؛ طوسی، ٨/ ٣٦٠) در آیات از «افک» و تهمت فحشاء به مؤمنان، به «بهتان» و «اثم» تعبیـر شـده است؛ قصد تهمت زنندگان «اشاعه فاحشه» در میان مؤمنان است.(نور: ١١-١٦)

- **همنشینی «اثم» و «افک»**

«افك»، مطلق دروغ و در اصل هر چیزی است که از وجه اصلی و حق، به باطل منحرف شـود(راغب اصفهانی، ٧٩) «افک» در آیات، افتراء «باطل» و نسبت دروغ به خداوند(عنکبوت: ١٧؛ احقاف: ٢٨)، بـه پیامبران(فرقان: ٤) و به مؤمنان است.(نور: ١١) مطابق آیات، «افک» کسـب اثـم اسـت(نور: ١١) و «أَفَّـاك اثیم» مردم را با «کذب» و «باطل» از حق منحرف مـی کند.(فراهیـدی، ٥/ ٤١٦) «کـذب» و «بطـلان» و تقابل با حق مؤلفه‌های مشترک «اثم» و «افک» در آیات است.(اعراف: ١١٦-١١٧؛ بقره: ١١٨)

- **همنشینی «اثم» و «حرمت»(حوزه محرمات)**

«حرم» در زبان‌های سامی در معانی «بازداشتن»، «محروم و ممنوع شدن» و «از شـرع خـارج بـودن» است.(Gesenius, 355-356؛ مشکور، ١/ ١٧٥) در مواردی که این بازداشتن به معنای ممنوعیت عملی یا استفاده از شیء است، ناظر به معنای «حرام» است.(نک: پاکتچی، ٢٠/ ٣٣٥)

غالب آیات «اثم»، در بافت محرمات الهی است. آیۀ ٣٢ سـوره اعـراف، تـوبیخ تحریم‌هـای دروغـین مشرکین دربارۀ خوردنی‌های پاک و حلال است؛ آیه بعد، برای اولین بار در سور مکی بـه تعیـین محرمـات الهی از جمله «اثم» می‌پردازد.

در چند آیه مفهوم «اثم»، به «ذبایح مشرکین» و خوردنی‌هایی اشاره دارد که مشرکان به دروغ، حلال یـا حرام بودن آن را به خداوند نسبت داده‌اند.(مائده: ٣؛ انعام: ١٢٠) آیه ١١٩ سوره انعام، توبیخ درباره نخوردن از ذبایح حلال است. آیه بعد با یادآوری محرمات(ذکر شده در آیه ٣٣ سـوره اعـراف)، امـر بـه رهـا کـردن «اثم» است که به قرینه بافت، به ذبایح مشرکین اشاره دارد. تفاسیر، وجه تسمیه ذبایح مشرکان بـه «اثـم» را ذکر نکردن نام خداوند بر آنها شمرده‌اند.(طباطبایی، ٧/ ٣٣٣)، اما وجه تسمیه، حـلال شـمردن محرمـات الهی و نسبت دروغ به خداوند درباره این ذبائح است.

---

١ . آیه ٥٦ احزاب، مؤمنان را به صلوات بر پیامبر اکرم(ص) امر می‌کند؛ صلوات، قولی مورد رضایت خداوند است.

آیات ۱٦٨-۱۷۳ سوره بقره، «اثم» در بافت محرمات است. آیات ۱٦٨ و ۱۷۲، امر به خوردن «حلال از طیبات» و نهی پیروی از شیطان است. آیه ۱۷۳، پس از تعیین محرمات الهی در خوردنی‌ها(از جمله میته و خون و گوشت خوک)، تأکید می‌کند که در صورت عدم زیاده خواهی، اثمی بر مضطر نیست؛ اثم بنا بر بافت این آیات، سخن مشرکان در حلال شمردن محرمات است و اگر خوردن محرمات تنها از باب اضطرار باشد و نه حلال شمردن آنها، مصداق اثم نیست.

آیات ابتدایی سوره مائده، تشریع حلال و حرام الهی است. آیه دوم، نهی از حلال شمردن محرمات در بافت سخن از حج است؛ از جمله: شعائر الهی، ماه‌های حرام، قربانی و... است. احلال محرمات، بی احترامی و یا ترک دستور خداوند درباره آنهاست.(طباطبایی، ٥/ ۱٦۲)؛ آیه نهی از تعاون مؤمنان بر اثم و عدوان، یعنی همکاری و معاونت در حلال شمردن محرمات الهی و تعدی به افراد است.

آیه ۳ سوره مائده پس از تعیین محرمات از خوردنی‌ها، در شرایط اضطرار، از تمایل به «اثم» نهی شده است. غالب مفسران عبارت «غَيْرَ مُتَجانِفٍ لِإِثْمٍ» در آیه را «غیر متمایل به گناه» معنا نموده‌اند، اما طبرسی به نقل از ابن عباس، قتاده و مجاهد، درباره این عبارت می‌نویسد: «کسی که نسبت به خوردن میته و چیزهایی که خداوند حکم به حرمت آنها کرد، اضطرار پیدا کند، بدون اینکه این اضطرار را خود خواسته باشد و حرام را حلال بشمارد، مجاز است که به اندازه حفظ جان خود -و نه بیشتر- صرف کند.»(طبرسی، ۳/ ۲٤۷) بنابراین اثم در آیه نه به معنای «مطلق گناه»، بلکه قولی دروغ و حاوی «حلال شمردن محرمات الهی» است.

مفاهیم جانشین اثم در آیات در همنشینی با مفهوم «حرمت»، شامل «شرک»، «سخن نادانسته درباره خداوند»(بقره: ۱٦۹؛ اعراف: ۲۸)»، «قتل به ناحق»، «فواحش» و «بغی» هستند.(بقره: ۸٥؛ انعام: ۱٥۱، اعراف: ۳۳، نحل: ۱۱٥، اسراء: ۳۳، فرقان: ٦۷) بنابراین «حرمت» مهم‌ترین مؤلفه کاربردی اثم در قرآن کریم بوده و با مفاهیم اجتناب و نهی از «اثم» در آیات مرتبط است.

- **همنشینی «اثم» و اجتناب و نهی**

«حرمات الله» در آیات، متعلق «نهی» و «اجتناب» است. «اجتناب» در آیات ارتباط مستقیم با شرک و اعمال مشرکان دارد و درباره طاغوت(بت‌ها) (نحل: ۳٦)، عبادت طاغوت(زمر: ۱۷)، اوثان(بت‌ها) و قول زور(شرک) (حج: ۳۰) به کار رفته است. از دیگر موارد لازم الاجتناب، خمر(شراب)، میسر(قمار)، انصاب(بت‌ها و یا سنگ‌هایی که برای ذبح قربانی‌ها در اطراف خانه کعبه نصب می‌کرده‌اند) و ازلام(تیرهای تفال و استخاره) (مائده: ۹۰) است که با عنوان «رجس» و «عمل شیطان» معرفی شده

است.(مائده: ۹۱) برخی از این موارد مصادیق «اثم کبیره» هستند(بقره: ۲۱۹) که مشرکان با دروغ، حلیت آنها را به خداوند نسبت داده‌اند.

- **همنشینی «اثم» و فواحش**

«فواحش»(جمع «فحشاء» و «فاحشه»)، اعمال و اقوالی است که قبح بزرگی دارد(راغب اصفهانی، ٦٢٦) و در آیات به انحراف در امور جنسی اشاره دارد.(اسراء: ۳۱) چهار مورد کاربرد «فواحش» در قرآن، با «اثم» و «کبائر الاثم» همنشینی انحصاری دارد(انعام: ۱۵۱، شوری: ۳۷؛ نجم: ۳۲)؛ «فواحش» و «اثم» از محرمات و نواهی الهی و لازم الاجتناب هستند.(اعراف: ۳۳؛ نحل: ۹۰) از «تهمت فحشاء» به مؤمنان، به «اثم» تعبیر شده که مقصود تهمت دروغ و باطل است.(نور: ۱۱-١٦) مشرکان، همانند شرک، انجام «فاحشه» را نیز به امر خداوند می دانستند و قصد اشاعه و رواج آن میان مؤمنان را داشتند؛ آیات، انتساب فواحش و اثم به خداوند را نفی (اعراف: ۲۸) و این دو را از اوامر شیطان(بقره: ١٦٩ و ٢٦٨؛ نور: ۲۱) می‌شمرند. علاوه بر مؤلفه‌های حرمت و نهی، مؤلفه «پلیدی و زشتی» موجود در مفاهیم «اثم» و «فواحش»، موجب عدم ملائمت با طبع انسان و ناظر بر انگاره «حسن و قبح ذاتی» در قرآن است؛ به این معنا که دو مفهوم «اثم» و «فواحش» پیش از نزول شرایع و ورود حکم شرعی، معنای خود را داشته‌اند و معیاری پیشینی برای ارزشیابی و عدم مطلوبیت در آنها وجود داشته است.(نک: پاکتچی، «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و حدیث»، ۱۳)

- **کبائر «الاثم»**

غالب مفاهیم حوزه معنایی گناه در قرآن همچون عصیان، ذنب، خطیئه، سیئه کاربرد مطلق و غیر وصفی دارند،[1] اما کاربرد «اثم» در صورت‌های وصفی مختلف همچون «کبائر الاثم»، «اثم کبیر»، «اثم مبین» و «ظاهر الاثم و باطنه»، نشان از طیفی و نسبی بودن این مفهوم دارد. مهم‌ترین این مفاهیم، ترکیب «کبائر الاثم» است که از آن به «گناهان کبیره» تعبیر شده و اجتناب از آن، ویژگی مؤمنان است.(نجم: ۳۲؛ شوری: ۳۷) بزرگ‌ترین موارد نهی الهی در قرآن شامل « شرک و کفر»، «اقوال شرک آلود مانند عوض نمودن حلال و حرام الهی»، «فواحش»، «شراب» و «قمار»، «قتل به ناحق»، «قتل فرزندان» و «خوردن مال یتیم» است(انعام: ۱۲۰؛ مائده: ۹۰؛ فرقان: ٦٨؛ اسراء: ۳۱-٣٤)؛ به قرینه روابط همنشینی، «کبائر الاثم» بزرگ‌ترین محرمات الهی و بخشی از «کبائر ما تنهون عنه»(نساء: ۳۱) است که به شرط اجتناب از

۱ . مفاهیم «ذنب»، «خطیئه»، «جرم» و «فسق» و الگوی حاصل از آن ها در مقاله‌ای با عنوان «صورت بندی گناه در قرآن کریم بر مبنای معناشناسی مفهوم «ذنب» از همین نویسندگان چاپ شده است. متفاوت از «اثم»، مفاهیم «ذنب» و «خطیئه»، «جرم» و «فسق»، دائر مدار تخلف از پیمان‌ها(الهی یا انسانی) هستند؛ از این صورت بندی می توان به عنوان الگوی «ذنب محور» از گناه یاد کرد. در الگوی اخیر، آنچه عمل را گناه‌آلود ساخته، نقض پیمان و قراردادی است که قصور در آن به ناهنجاری در رابطه موجود می‌انجامد.(مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ٦٦، سال بیست و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸)

آنها، خداوند وعده پوشاندن «سیئات»(مطلق اعمال بد) را داده است.(نساء: ۳۱)

- **همنشینی «اثم» و لمم**

در آیه «الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الا اللمم»(نجم: ۳۲)، لمم از مستثنیات «کبائر الاثم» و «فواحش» در وصف مؤمنان است. در معنای «لمم» اختلاف نظر وجود دارد؛ مطابق نظر منتسب به ابن عباس، «لمم» گناهانی است که قبلاً مرتکب شده، یا در حال نزدیک شدن به آن باشد.(طبری، ۲۷/ ۴۰-۳۹) راغب می‌گوید «لمم» یعنی به گناه نزدیک شود اما مرتکب آن نگردد.(راغب اصفهانی، ۷٤٦) «لمم» همچنین به «اندک» معنا شده است.(یاحقی، ۳/ ۱۲٦۹) پراکندگی آراء دربارهٔ «لمم» نشانهٔ حدسی و ذوقی بودن نظرات است.

ریشه آفروآسیایی «lüm» به معنای «زیاد» و «بزرگ» است. این ریشه در سامی به صورت«li?Vm» به معنای «زیاد» و «هزار» به کاربرده شده است.(orel, 366) از ریشه ثنائی «LM» ریشه ثلاثی «LMM» در زبان عربی به معنای «بزرگ» و «توده» ساخته شده است.[1] «لمم» در کاربردهای قرآن کریم از معنای بزرگ شدن به معنای خطور کردن -ناظر به نوعی معرفت- انتقال یافته است.[2] حسن بصری تنها مفسری است که به این معنا از «لمم» اشاره کرده و آن را «الخطره من الزنا و شرب الخمر» می‌نامد؛ «ملیم»، رشد و تقویت یک فکر در انسان است(نک: پاکتچی، «حرام»، ۱۰۷-۱۰۹)، در نتیجه «لمم» به مانند «ظن»(حجرات: ۱۲)، از مفاهیم حوزه معنایی «ادراک و معرفت» و مرتبط با اثم است. بر اساس این ریشه شناسی، مؤمنان غیر از لمم یعنی خطورات ذهنی اثم و فواحش که امری غیر اختیاری است، از ارتکاب «کبائرالاثم» و «فواحش» دوری می‌کنند.

نکته مهم این که تعبیر «کبائر الاثم» در هیچ یک از آیات، در تقابل با «اثم» یا «صغائر الاثم» نیست؛ بلکه در تقابل با «لمم» است، به عبارتی سخنی از «اثم» صغیره در آیات وجود ندارد و «کبائر»، قید «توضیحی» برای «اثم» است و نه قید «تخصیصی»؛ در نتیجه صورت‌بندی گناهان به «صغیره و کبیره» ذیل مفهوم «اثم»، تقسیم بندی متأخر و حاصل سنت تفسیری است.

- **همنشینی «اثم» و «ظن»**

آیه ۱۲ سوره حجرات، با امر به اجتناب از «ظن»، بعضی از ظنون را «اثم» می‌نامد: «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثیراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»؛ «ظن» از مفاهیم حوزه معنایی «ادراک و معرفت»، مربوط به

---

۱ . و در آیه: « وتاکلون التراث اکلا لمّا» (فجر: ۱۹)، «لمّا» به معنای توده است.

۲ .صورت‌بندی ساخت معنا در «لمم» این گونه است که چیزی در ذهن انسان بزرگ می شود اما هنوز به قطعیت نرسیده است.

ساحت ذهنی و به معنای گمانی است که در حال افزایش پیدا کردن است.(نک: پاکتچی، «حرام»، ۱۰۹) آیات از دو نوع ظن «خیر»(حاقه: ۲۰؛ نور: ۱۲) و «سوء»(فتح: ٦) سخن گفته‌اند. همانند «اثم»، در آیات از مواردی چون «شرک»، تعیین شریک برای خداوند(یونس: ۳۵-۳٦ و ٦٦؛ صافات: ۸۷)، افتراء دروغ به خداوند با تغییر حرام و حلال الهی(یونس: ۵۹-٦۰؛ انعام: ۱۱٦ - ۱٤۸) به عنوان «تبعیت از ظن و اهواء[نفسانی]» نام برده شده که در تقابل با تبعیت از «حق» است.(نجم: ۲۳) مفهوم «ظن» در آیات، معمولاً همنشین با مفاهیم «قول و سخن» است، همنشینی «اثم» و «ظن»، رابطه میان معرفت و عمل را مشخص می‌کند؛ ظن اثم، افکار و عقاید دروغین و باطلی است که زمینه ساز و علت اثم(اقوال دروغین و باطل) است.[1]

۲. ۱. ۱. ۲. مفاهیم با رابطه تقابلی با اثم

روابط تقابلی نقش مهمی در شناسایی یک مفهوم دارند. در ادامه مهم‌ترین مفاهیم در رابطه با «اثم» را بررسی خواهیم کرد:

- **تقابل «بر» با «اثم»**

ساخت مصدری «بِرّ» در قرآن، با مفهوم «اثم» تقابل انحصاری دارد؛ مؤمنان از تعاون(مائده: ۲) و تناجی به اثم(مجادله: ۸-۹) نهی شده و به «بِرّ» و «تقوی» امر شده‌اند. کتب لغت، معانی متعدد از جمله تقوا و پرهیزکاری، احسان و نیکی، کار خیر و صلاح، صدق و راستی و عبادت را برای «بِرّ» ذکر کرده‌اند که متضمن مؤلفه معنایی «توسع و گستردگی در وجه مثبت» هستند.[2](زبیدی، ٦/ ٦۹-۷۰؛ صاحب بن عباد، ۱۰/ ۲۱۵؛ راغب اصفهانی، ۱۱٤) ایزوتسو به مانند اثم، به پیچیدگی معنای «بِرّ» اشاره نموده و معتقد است ترجمه این مفهوم به معانیی چون پرهیزکاری، نیکی و راستی، به تنهایی نمی‌تواند حق واژه را ادا نماید.(ایزوتسو، ٤۲۳-٤۲۲) ریشه‌شناسی می‌تواند پاره‌ای از ابهامات درباره مفهوم «بِرّ» را روشن کند.

- **ریشه‌شناسی و معنای «بِرّ» در قرآن**

ماده ثنائی «بِرّ»(BR) ریشه‌ای شناخته شده در زبان آفروآسیایی است.(cf:orel, 53-57) در زبان‌های سامی، «بِرّ» در دو حوزه کاربرد دارد: نخست مدلول حسی به معانی «گندم» و «پاکی و تمیزی»(orel , 54)؛ دوم: مدلول غیر حسی و مربوط به هنجارهای حوزه اخلاق، یعنی «نیکویی»، «راستگویی»، «پاکی» و «برگزیدگی».(نک: مشکور، ۱/ ۵۷؛ Gesenius, 141)[3]

---

۱ . آیه ۱۲ سورهٔ نور در قضیه «افک» که از آن به عنوان «اثم» یاد می‌کند نیز امر به «ظن خیر» درباره مؤمنان را با «سخن» نیکو دربارهٔ ایشان، همراه ساخته است.

۲ . مدلول حسی مفهوم «بَر» به معنای خشکی وسیع است. «بُر» به معنای گندم بالاترین وسعت مصرف در بین غذاها را داشته است.(راغب اصفهانی، ۱۱٤-۱۱۵)

۳ .تنها کاربرد مدلول حسی از ماده بر قرآن کریم کلمه «بَرّ» به معنای بیابان است.(روم: ٤۱)

کاربرد فعلی این ریشه به صورت «بَرّ» در آشوری، معنای «درخشان بودن» دارد که در انتقال به عبری به معنای «تصفیه و تطهیرکردن» است.(مشکور، ۱/ ۵۷؛ Gesenius, 141) وصف «بِرّ» در زبان عبری به دو معنای تمیز و پاک[1] و خالص[2] که دومی وصف قلب است(Gesenius, 141)؛ دقت در آیات قرآن نیز مؤید تقابل مفهوم «بِرّ» با «اثم» در همنشینی با «قلب» است.(بقره: ۲۸۳)

با تکیه بر ریشه شناسی «بِرّ» و سیر تحول معنا در زبان‌های سامی، به نظر می‌رسد کاربرد این ماده در جنبه‌های حسی به معنای «پاکیزگی» و «درخشندگی» بوده، سپس با توسعه دامنه معنایی در جنبه ارزش‌های اخلاقی به معنای «راستی»، «پاکی از آلودگی‌های اخلاقی»، «اخلاص» و «نیکویی» به کار رفته است.

«بِرّ»، «صداقت» و «درخشندگی عمل» و «پاکی و خلوص قلب» است؛ در تقابل با این مؤلفه‌ها، «اثم»، «کذب» و «ناراستی» و «آلودگی قلب» است. تعبیر «آثِمٌ قَلْبُه»، به دروغ گویی و پلیدی قلب در اثر «کتمان شهادت» اشاره دارد.(بقره: ۲۸۳؛ مائده: ۱۰۷) تقابل میان «صداقت» و «کذب» در «بِرّ» و «اثم»، نه در ریشه بلکه به کاربرد و بافت آیات مربوط است.

صفت «اثیم»، باعث «رین و غبار بر قلب»، اختلال در ادراک آیات و بهره نبردن از هدایت الهی است.(مطففین: ۱۳-۱٤؛ نک: طباطبایی، ۲۰/ ۲۳٤) مطابق روایت پیامبر اکرم(ص) نیز، انجام «بِرّ» باعث اطمینان جان و قلب و در تقابل با آن، ارتکاب «اثم» موجب در هم تنیدگی و آرامش نداشتن قلب است.(طبرسی، ۱/ ۳۰۲)

کاربرد مفاهیم «قلب» و «سمع»، در همنشینی با ساخت‌های «اثم» و «اثیم» (بقره: ۱۸۱ و ۲۸۳؛ شعراء: ۲۲۳؛ جاثیه: ۸) شاهد دیگر بر ارتباط «اثم» با حوزه معنایی «ادراک و معرفت» است. «سمع» ابزار ادراک اولیه و «قلب» به مثابه مرکز شناخت و منبع ادراک و انفعالات نفسانی است(نک: ابن عاشور، ۲/ ۵۹۱؛ طباطبایی، ۲/ ۲۲)؛ بیماری‌های قلب و جان از نوعی اعتقاد یا عمل نادرست ناشی می‌شوند.

- **تقابل «نفع» با «اثم»**

در ۱۷ آیه، تقابل اصلی ماده «نفع» با مفهوم «ضَرّ» است؛ اما آیه «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِما إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُما أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِما»(بقره: ۲۱۹)، مورد منحصر به فرد از تقابل «نفع» با «إثم کبیر» است. «اثم» در این آیه به عنوان «امر قابل کسب و مضر» در برابر «نفع» به عنوان «امر قابل

1. clean
2. pure

کسب و مفید» قرار گرفته است؛ مقایسه میان مکسوبات مفید و مضر در خمر و میسر است و اگر امکان چنین مقایسه‌ای میان «اثم» و «منافع» نبود، عبارت معنای محصلی نداشت. در نتیجه شراب و قمار اگرچه ممکن است منافعی داشته باشند، اما ضرر و اثرات نامطلوبی که در جان و قلب انسان باقی می‌گذارند بسی بیشتر و در نتیجه آسیب‌های آن از منافع مختصرش بزرگ‌تر است.(نک: رهنما، ۱۲۰) جانشینی ضرر از اثم قرینه دیگری بر وجود ارزش منفی ذاتی در «اثم» است.

- **جانشینی «رجس» از «اثم»**

در آیهٔ ۹۰ سورهٔ مائده «رجس»، به «خمر» و «میسر» نسبت داده شده است. با توجه به کاربرد «اثم کبیر» برای این دو مفهوم(بقره: ۲۱۹)، «رجس» جانشین «اثم کبیر» در قرآن است. مفاهیم، «رجس» و «اثم» از اوامر شیطان، مرتبط با قلب(توبه: ۱۲۵)، نهی شده و لازم الاجتناب (مائده: ۹۰) هستند. «رجس» در تقابل با «طهر» به «پلیدی و ناپاکی(معنوی)» اشاره دارد(احزاب: ۳۳)؛ آنچه «خمر» و «میسر» را مصداق «اثم» و «رجس» نموده، پلیدی و آلودگی است که بر دل باقی می‌گذارند.

- **تقابل «اثم» با «اصلاح»**

از تبدیل عامدانه «وصیت» با دروغ گویی درباره آن تعبیر به «اثم» شده است.(بقره: ۱۸۱) «اثم» در همنشینی با جنف، به معنای میل به باطل و در تقابل با «اصلاح» در امر وصیت است.(بقره: ۱۸۲) در تقابل با مفهوم «اصلاح در روابط اجتماعی»، «اثم»، انحراف به «باطل» و دروغ گویی در امر مهریه(نساء: ۲۰)، شهادت دروغ در بحث دِین(بقره: ۲۸۳) و نیز وصیت(مائده: ۱۰٦-۱۰۷) است. «اصلاح»، شرط پذیرش توبه از «اثم» نیز است.(مائده: ۳۹)

تقابل «اصلاح» و «اثم» در آیات دیگر نیز مشاهده می‌شود: نجوای مشرکان، «اثم» یعنی قول مخفیانه دروغینی است که خداوند از آن ناراضی است(نساء: ۱۱۳)؛ در مقابل، «نجوا» برای «اصلاح میان مردم»، مرضیّ خداوند است.(نساء: ۱۱٤) نجوی[به باطل] از مصادیق «باطن الاثم» و مورد نهی است.(مجادله: ۸-۹)

«اثم» در برخی کاربردها در همنشینی با افعالی غالباً در باب «تفاعل» قرار گرفته است، از جمله: «تاکلون بالاثم»(بقره: ۱۸۸)، «تظاهرون بالاثم»(بقره: ۸۵)؛ «تعاون علی الاثم»(مائده: ۲)، «مسارعة فی الاثم» (مائده: ٦۲)، «تناجی بالاثم»(مجادله: ۸ و ۹)، «استحقّ اثماً»(مائده: ۱۰۷) و «أخذ بالاثم»(نساء: ۲۰)؛ کاربردی که دیگر مفاهیم گناه در قرآن مشاهده نمی‌شود. «اثم» در این کاربردها با مؤلفه «همگرایی و معاونت» در امر ناپسند، ناظر بر محرمات در روابط انسانی و اجتماعی» و «میل به باطل» است.

در فرهنگ جاهلی و نظام قبیله‌ای عرب، تعاون و مشارکت بر «اثم»، امری قابل انتظار است که آیـات نسبت به آن هشدار می‌دهد. اخلاق اجتماعی مانند اخلاق فردی متوجه عموم افراد جامعـه اسـت. تعـاون، همکاری و اشتراک مساعی، به همان اندازه که سازندگی و پیشرفت امور را سهولت می‌بخشد، می‌توانـد در آشفتگی و اختلال امور مؤثر باشد و در ناامنی و بی نظمی جامعه با سرعت و موفقیت بیشتری عمـل کنـد. آیات قرآن به تعاون و همکاری برای تشکیل اجتماعی بر اساس مجموعه فضایل اخلاقی با منافع و مزایـای معنوی و مادی دعوت می‌کند.

۳. ۱. ۱. ۲. مفاهیم با رابطه توزیعی با اثم

در ادامه به مفهوم «عدوان» به عنوان مهم‌ترین مفهوم در رابطه توزیعی با اثم در قرآن می‌پردازیم:

- **همنشینی «اثم» و «عدوان»**

زوج معنایی «اثم» و «عدوان» ۵ بار در آیات، همنشین شده‌اند.(بقره: ۸۵ ؛مائـده: ۲ و ٦٢؛ مجادلـه: ۹) ریشـه «عـدو» ٦٦ کـاربرد در قـرآن دارد و لغویـان مؤلفـه اصـلی آن را «تجـاوز و درگذشـتن از حـدّ» می‌دانند(فراهیدی، ۲/ ٢١٤)؛ نتایج ریشه‌شناسی(orel, 54) و همنشینی با مفهوم «حـدود اللـه» در آیـات (بقره: ۲۲۹؛ نساء: ١٤) نیز مؤید این معناست.

در دو آیه از قرآن، دوگان «اثم و عدوان» در تقابل با دوگان «برّ و تقوی» قرار گرفته (مائده: ۲؛ مجادلـه: ۹)، از معاونت و تناجی به «اثم و عدوان» نهی شده و به معاونت و تناجی بر «برّ و تقوا» امـر شـده اسـت. بیشتر مفسران و لغویان معتقد به وجود لف و نشر مشوش در آیـه هسـتند و «اثـم» را در تقابـل بـا «تقـوا»، مربوط به ساحت فردی و «عدوان» را در تقابل با «برّ»، مربوط به ساحت اجتماعی تلقی نموده‌انـد.(راغب اصفهانی، ۷۱؛ طوسی، ۱۹۸؛ طبرسی، ۲/ ۷۹۲)

اما بافت آیه، نتایج ریشه شناسی و کاربردهای غالبی «اثم» در قرآن نشـان می‌دهـد تقابـل مربـوط بـه ساحت فردی و اجتماعی این مفاهیم نیست.[۱] مفاهیم «اثم» و «بِرّ» در مؤلفه «ایجابی بودن» و «همگرایی و مشارکت» و مفاهیم «تقوا» و «عدوان» در مؤلفه «سلبی بودن» و «واگرایی» اشتراک دارند و تقابـل آنهـا در آیه، به دو امر متضاد خیرات و شرور در این مؤلفه‌ها بازمی‌گردد؛ با این تقریر که همگرایی و مشارکت افـراد در کسب خیرات، توسط مفهوم «بِرّ» و همگرایی و مشارکت افراد در کسب شرور، توسط مفهوم «اثم» بیان

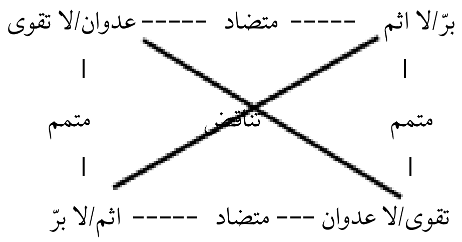
---

۱ . کاربرد افعال تعاون و تناجی در باب افعال (مائده: ۲؛ مجادله: ۹) در همنشینی با این ٤ مفهوم نشان می‌دهد همگی در بافت مشارکت‌های اجتمـاعی مطـرح شده اند وساحت فردی از آنها مورد نظر نیست.

شده است. در سوی دیگر، «تقوا»، حاصل واگرایی و کناره گیـری از زشـتی‌ها و شـرور اسـت و «عـدوان»، حاصل انفصال و کناره‌گیری از خیرات و خوبی‌ها است.

بنابراین از نگاه قرآن «افعال در زمینه مشارکت اجتماعی» را می‌توان به دو گونه کلی: اعمال با محوریت «برّ» و «تقوا» و اعمال با محوریت «اثم» و «عدوان» تقسیم نمود. میان این مفاهیم چهارگانه، سه نوع رابطه تناقض، تضاد و متممی وجود دارد: علاوه بر «رابطه تناقض»[1] میان مفهوم «اثم» با «برّ» و مفهوم «تقـوا» بـا «عدوان»؛ رابطه مفاهیم «برّ» با «عدوان» و نیز مفاهیم «اثم» با «تقوا» را می‌توان «رابطه تضاد»[2] دانسـت. همچنین مفهوم «برّ» با «تقوا» و مفهوم «اثم» با «عدوان»، «رابطه متممی»[3] دارنـد بـه ایـن معنـا کـه زوج معنایی «برّ» و «تقوا» هر دو در حوزه مفهومی «ارزشهای مثبت اخلاقی» قرار دارند، امـا دارای قلمروهـای متمایزی هستند و از این جهت معنای یک‌دیگر را کامل می‌کنند. همین سخن درباره زوج معنـایی«اثـم» و «عدوان» نیز صادق است با این تفاوت که این دو در حوزه مفهومی «ارزش‌هـای منفـی اخلاقـی» مـتمم و مکمل معنای یک‌دیگر هستند.(نک: پاکتچی، ۱۳۹۷)

مربع معناشناسی[4] این چهار مفهوم را این چنین می‌توان رسم نمود[5] :



۲. ۱. ۲. ساخت صرفی «اثیم»

«اثیم» صفت مشبهه از «اثم» و در قرآن صفت برای «تکذیب کننده روز قیامـت و آیـات» اسـت؛ وی پس از شنیدن آیات با استهزاء و وصف «اساطیر الاولین»، آیات را دروغ و باطل می‌خواند و از آنها استکبار می‌ورزد.(مطففین: ۱۰-۱۲؛ قلم: ۱۲)

در دو آیه «اثیم» همنشین «افّاک» به معنای مبالغه کننده در کذب و افتراء و کسی اسـت کـه حـق را بـه

1. Contradiction
2. Relation of opposition or contrariety
3. Implicatiom
4. Semiotic Square

۵ . برای اطلاع از نظریه مربع معناشناسی: نک: چندلر، ۱۷۹

شدت به دروغ و باطل برمی‌گرداند.(جاثیه: ۷؛ شعراء: ۲۲۲) شیاطین با نزول بر «اثـیم»، بـه او دروغ القـا می‌کنند(شعراء: ۲۲۲)؛ شیطان با مس نمودن «اثیم»(بقـره: ۲۷۵)، قـدرت تشـخیص او را مختـل سـاخته است؛ از این جهت وی زشتی را زیبایی و حسن را قبح و خیر و نفع را شر و مضـر مـی‌بینـد.(طباطبایی، ۲/ ٤١٠) از جمله دروغ‌های اثیم در اثـر القـای شـیطان، حکـم بـه حـلال بـودن ربـا و همانـنـدی آن بـا بیـع است.(بقره: ۲۷۵)

آیه ۱۰۷ نساء، از مشرکان به علت خیانت و «سخنان مخفیانه‌ای که خداونـد از آن نارضـایتی دارد» بـا صفت «خَوَّان أَثیم»؛ وجه تسمیه «اثیم»، نجوا با محتوای «اثم» یعنی به شدت دروغین است کـه بـه قرینـه آیه، شرک و کفر است. «اثیم»، وضعیت احساسی-شناختی ثابت و مستقری است که در اصطلاح الهیـاتی می‌توان آن را ملکه یا «صفت مطلق» نامید.[۱] مشاهده کاربردهای «اثیم» نشان می‌دهد این وصف منحصـر به مشرکان و کافران است؛ در حقیقت «اثیم» مرتبه‌ای از کفر است.

۳. ۱. ۲. ساخت صرفی «تأثیم»

دو آیه، نفی شنیدن «لغو» و «تأثیم» در بهشت است(واقعه: ۲۵؛ طور: ۲۳) بنابراین «لغو» و «تأثیم» از مسموعات(شنیدنی) و از جنس «قول و سخن» هستند. جانشینی «کِذّاب» از «تأثیم» در بافتی مشـابه(نبأ: ۳۵) نشان می‌دهد، مؤلفه اصلی تأثیم، کذب و دروغ است. بنابراین «تأثیم»، سخن فرد «اثیم» با مضـمون تکذیب شدید آیات الهی است(نک: ابـن عاشـور، ۳۰/ ٦٧؛ فخـررازی، ۸/ ۳۲۰) و در بهشـت ایـن نـوع سخنان وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش کوشید با به کارگیری ریشه شناسی و بررسی روابط همنشـینی و جانشـینی در آیـات قـرآن کریم، مؤلفه‌های معنایی اثم را مشخص و تیرگی معنایی آن را برطرف سازد.

پی‌جویی «اثم» در زبان‌های سامی نشان داد این واژه، ریشه در مـاده آفروآسـیایی «*čam*» بـه معنـای «جمع کردن و جمع شدن» دارد که در زبان‌های سامی با اضافه شدن همزۀ باب افعال ثنائی در ابتـدای آن، به معنای «مرتکب گناه و خطا شدن» منتقل شده است. داده‌هـای ریشه‌شناسـی مؤیـد مؤلفـه‌های معنـایی «اتصال و همگرایی»، «درنگ و تأخیر»، «تعمد و قصدمندی» و «تقصیر و کوتاهی» در ریشه اثـم اسـت. مهم‌تـرین مؤلفـه‌های کـاربردی اثـم در آیـات قـرآن نیـز «کـذب»، «حرمـت»، «بطـلان» و «پلیـدی و

۱. صفت مشبهه بیان ویژگی ثابت و پایدار است.

ناپاکی(معنوی)» است. مؤلفه «پلیدی و ناپاکی» در «اثم»، ناظر بر انگاره «قبح ذاتی» در قـرآن اسـت؛ بـه این معنا که پیش از نزول شرایع و ورود حکم شرعی، معیاری پیشینی برای ارزشـیابی و عـدم مطلوبیـت در «اثم» وجود داشته است.

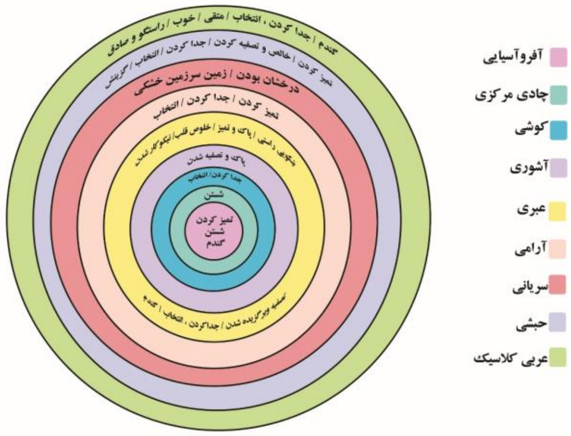
بررسی روابط معنایی و مهم‌ترین همنشین‌ها و جانشین‌ها روشن ساخت، «اثم» در کاربردهای قرآنـی غالباً «افکار» و «اقوال» با مؤلفه‌های «کذب» و «بطلان» است که خداوند نسبت بـه آنهـا نارضـایتی دارد. وجه تسمیه «اثم» به افتراء و افک در آیات، به جهت نسبت‌های دروغین و باطل است. «اثم» غالباً در بافت محرمات الهی و در دو حوزه «رابطه با خدا» و «روابط انسانی» به کار رفته است. در حوزه «رابطه با خدا»، «اثم»، نسبت دروغین به خداوند در داشتن شریک و فرزند و نیز تغییر «حلال و حرام الهی» است؛ مشرکان اعمال خود از جمله شرک، کفر، فحشاء، قتل اولاد، «خوردنی‌های حرام» مانند ربا، ذبائح و شراب را حلال شمرده و حلیت آنها را به دروغ به امر و اراده خداوند نسبت می‌دادند؛ آیات «اثم» را به امر شـیطان و بـدون اذن خداوند دانسته است. در «روابط انسانی»، «اثم» شهادت یا تهمت دروغ «فحشاء» به مؤمنان است. در «روابط اجتماعی»، اثم «مشارکت و همگرایی» در انحراف به «باطل» و «حرام» اسـت و خداونـد امـر بـه «اصلاح» داده است.

برخلاف دیگر مفاهیم حوزه معنایی گناه(مانند معصـیت، ذنـب و خطیئـه)، «اثـم» مفهـومی نسـبی و وصفی است که بر مرزشکنی در رابطه با خدا و روابط انسانی دلالـت دارد. عالمـان مسـلمان، بـا الهـام از مفهوم «کبائر الاثم» گناهان را به دو نوع «صغیره و کبیره» تقسـیم نموده‌انـد، امـا بررسـی آیـات نشـان داد، «کبائر الاثم» در آیات، نه در تقابل با «صغائر الاثم»، بلکه در تقابل با «لمم» به معنای خطورات ذهنـی از آن است؛ در نتیجه صورت بندی «صغیره و کبیره» ذیل مفهوم «اثم»، متأخر و حاصل سنت تفسیری است.

با توجه به جانشینی مفهوم «اثم» از مفهوم «سوء»(عام‌ترین ارزش منفی اخلاقـی در قـرآن کـریم)؛ از صورت‌بندی «اثم» در آیات می‌توان به عنوان بخشی از «الگوی سوءمحور» از گناه در قرآن یاد کرد کـه بـه وجود قبح و عدم مطلوبیت ذاتی اعمال پیش از ورود شرایع اشاره دارد. برای داشتن درکی بهتـر از «الگـوی سوء محور» گناه در قرآن کریم، لازم است علاوه بر سیئه، تمامی مفاهیم حوزه معنـایی گنـاه نیـز از همـین منظر تحلیل شود تا بتوان به درک صحیحی از الگوهای از گناه در قرآن رسید.(نک: آگهی، مهدی جلالـی، ۱۳۹۸)

پی‌نوشت

توضیح ساخت معنای «بر» با توجه به جغرافیای زبان‌های آفروآسیایی و سامی از قدیمی‌ترین معنـا تـا نزدیک‌ترین معنا به عصر نزول را در شکل زیر می‌توان دنبال کرد:


گندم / جدا کردن ، انتخاب / متقی / خوب / راستگو و صادق
تمیز کردن / خالص و تصفیه کردن / جدا کردن / انتخاب / گزینش
درخشان بودن / زمین سرزمین خشکی
تمیز کردن / جدا کردن / انتخاب
نیکویی راستی / پاک و تمیز / خلوص قلب / نیکوکار شدن
پاک و تصفیه شدن
جدا کردن / انتخاب
شستن
تمیز کردن
شستن
گندم
تصفیه وبرگزیده شدن / جداکردن ، انتخاب / گندم
آفروآسیایی
چادی مرکزی
کوشی
آشوری
عبری
آرامی
سریانی
حبشی
عربی کلاسیک

منابع

آگهی، فاطمه و مهدی جلالی، صورت بندی گناه در قرآن کریم بـر مبنـای معناشناسـی مفهـوم «ذنـب»، مطالعـات تاریخی قرآن و حدیث، شماره ٦٦، سال بیست و پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ش.

ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحیط الأعظم، محقق عبدالحمید هنداوی، دار الکتـب العلمیـة، بیـروت، ١٤٢١ق.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، مؤسسة التاریخ، بی‌جا، بی‌تا.

ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامي، قم، ١٤٠٤ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر، بیروت. ١٤١٤ق.

ازهري، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، تحقیق: یعقوب عبدالنبي، الدار المصریه للتألیف و الترجمه، قاهره، بي‌تا.

افراشی، آزیتا ، اندیشه هایی در معنی شناسی(یازده مقاله)، فرهنگ کاوش، تهران، ۱۳۸۱ش.

ایزوتسو، توشیهیکو، مفاهیم اخلاقي-دیني در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، فرزان روز، تهران، ۱۳۷۸ش.

بی یرویش، مانفرد، زبان شناسی جدید، ترجمه محمدرضا باطنی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۵۵ش.

پاکتچی، احمد، «معناشناسی حسن و قبح در قرآن و حدیث»، دو فصلنامه مطالعات روش شناسی دینی، سـال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص۱۰–۲۱.

ــــــــــــــ، «حرام» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ویرایش کـاظم موسـوی بجنـوردی، مرکـز دائرةالمعـارف بزرگ اسلامی، جلد بیستم، تهران، ۱۳۹۵ش.

ــــــــــــــ، ۱۳۹۵، کارگاه معناشناسی کمیت و کیفیت در افعال حوزه معرفت در قرآن با رویکرد معناشناسـی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی(چاپ شده در مجموعه «معناشناسی در مطالعات قرآنـی»، بـه کوشـش فروغ پارسا، نگارستان اندیشه، تهران، ۱۳۹۷ش.)

ــــــــــــــ، «کارگاه معناشناسی تقوا»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، آبان ۱۳۹۷ش.

پالمر، فرانک، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کورش صفوی، نشرمرکز، تهران، ١٣٧٤ش.

جان لاینز، مقدمه ای بر معناشناسی زبان شناختی، حسین واله، گام نو، تهران، ۱۳۸۵ش.

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح في اللغه، تحقیق احمد عبدالغفور، دارالعلم للملایین، بیروت، ١٤٠٧ق.

چندلر، دنیل، مبانی نشانه شناسی، ترجمه مهدی پارسا، سوره مهر، تهران، ١٣٨٦ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، ١٤١٢ق.

رهنما، هادی، «حوزه معنایی نام‌های گناه در قرآن کریم و نقد ترجمه‌های فارسی بـر اسـاس آن»، مطالعـات قـرآن و حدیث، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۷، صص ۱۱۳–١٤٧.

زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، محقق علی‌شیری، دار الفکر، بیروت، ١٤١٤ق.

سلمان‌نژاد، مرتضی، معناشناسی تدبّر در قرآن با سه رویکرد ساختاری، ریشه‌شناسی و تاریخ انگاره، پایان نامهٔ کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۱ش.

صاحب بن عباد، اسماعیل، المحیط في اللغة، عالم الکتب، بیروت، ١٤١٤ق.

صفوي، کورش، درآمدي بر معناشناسي، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۷ش.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ١٤١٧ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ١٤١٢ق.

طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، دار الکتب التراث العربی، بیروت، ١٤١٠ق.

عبدالباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دارالکتب المصریه، قاهره، ١٣٦٤.

عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق في اللغة، دار الافاق الجدیدة، بیروت، ١٤٠٠ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، هجرت، قم، ١٤١٠ق.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، دارالفکر، بیروت، بي‌تا.

مشکور، محمود جواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۷ش.

Gesenius, W., *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, Oxford, 1955.

Jastrow, M. *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushalmi and the Midrashic literature*. New York: Pardes Publishing House, 1950.

O'Leary, De Lacy, *Comparative Grammar of the Semitic Languages*, London: Kegan Paul, Trench, Trubner and New York: Dutton, 1923.

Orel, V.E. & Stolbova, Olga V, *Hamito-Semitic Ethimological Dictionary*: *Material for a reconstruction*. Leiden: EJ. Brill. 1994.

Zammit, Martin; *A Comprative Lexical Study of Quranic Arabic*; Leiden, Brill, 2002.